

۱- ﴿أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ﴾:

- (۱) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کردند قبل از آنکه روزی بیاید که در آن نه خرید و فروشی است و نه دوستی‌ای است!
- (۲) انفاق کنید از آنچه به شما روزی دادیم پیش از آنکه روزی برسد که هیچ خرید و فروشی و هیچ دوستی در آن نیست!
- (۳) از آنچه به ما روزی دادند انفاق کنید پیش از آنکه روزی بیاید که در آن نه خرید و فروش هست و نه دوستی‌ای است!
- (۴) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید پیش از آنکه روزی بیاید که در آن نه خرید و فروشی و نه دوستی‌ای است!

۲- ﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ﴾:

- (۱) کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان آوردند و میان هیچ یک از آنان فرق نیفکندند، خداوند مزدهایشان را به آنان خواهد داد!
- (۲) خداوند مزدهای کسانی را می‌دهد که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردند و میان آنان تفرقه نینداختند!
- (۳) کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردند و میانشان فرق نمی‌گذارند، خداوند مزدهایشان را به ایشان خواهد داد!
- (۴) کسانی که به خدا و پیغمبران او ایمان آوردند و جدایی نیفکنده‌اند، خداوند مزدشان را به آن‌ها می‌دهد!

۳- ﴿... لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ﴾:

- (۱) به خاطر آن که برای چیزی که از دست دادید، ناراحت نشوید!
- (۲) نباید برای چیزی که از دست دادید، غمگین شوید!
- (۳) تا به خاطر آنچه از دستتان رفت، ناراحت نباشید!
- (۴) تا این که برای چیزی که از دست شما رفت، خود را ناراحت نکنید!

۴- «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَرْفَعَ قَدْرَكَ بَيْنَ النَّاسِ فَأَحْسِنِ الْعَمَلَ الَّذِي قَمْتَ بِهِ!»:

- (۱) چون خواستی که قدرت نزد مردم بالا رود، به نیکی به کاری که بدان اقدام کرده‌ای بپرداز!
- (۲) اگر خواهان آنی که قدر خود را میان مردم بالا ببری باید کاری را که به آن پرداختی نیکو انجام دهی!
- (۳) چون که خواهی قدرت در بین مردم افزون شود نیکو کن کاری را که بدان پرداخته‌ای!
- (۴) اگر می‌خواهی که قدر خود را در بین مردم بالا ببری کاری را که بدان اقدام نموده‌ای نیکو کن!

۵- «لَا تُصِرْ عَلَى نَقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعَدَاوَةِ لِأَنَّه لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ وَ عَلَيْنَا أَنْ نَتَعَاشَى تَعَايِشاً سَلَمِيًّا!»:

- (۱) نباید ما بر نقاط اختلاف و دشمنی پافشاری کنیم زیرا کسی از آن بهره‌مند نمی‌شود و ما باید با همدیگر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز کنیم!
- (۲) ما باید بر نقاط اختلاف و دشمنی اصرار نداشته باشیم، به خاطر اینکه کسی به واسطه آن سود نبرده است و بر ما واجب است با هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم!
- (۳) ما باید با یکدیگر سالم زندگی کنیم و بر اختلاف‌ها و دشمنی‌ها پافشاری نکنیم، زیرا کسی از آن بهره‌مند نمی‌شود و زندگی مسالمت‌آمیز بر ما واجب است!

- (۴) ما نباید در نقاط اختلاف‌مان و بر دشمنی‌مان پافشاری کنیم، چرا که آن به کسی سود نمی‌رساند و بر ما لازم است که با یکدیگر با صلح زندگی کنیم!

۶- «سوف تُعَلِّمُكَ الْأَيَّامُ أَنَّ الثَّرْوَةَ الْحَقِيقِيَّةَ هِيَ أَنْ تَمْلِكَ قُلُوبَ مَنْ حَوْلَكَ مِنْ أَصْدِقَائِكَ وَ جِيرَانِكَ!»:

(۱) تو از روزها یاد خواهی گرفت که ثروت حقیقی این است که دل‌های کسانی را که از بین دوستان و همسایه‌ات در اطراف توست، مالک شوی!

(۲) روزگار به تو می‌فهماند که حقیقت ثروت این است که مالک قلوب دوستان و همسایگان اطرافت باشی!

(۳) روزها به تو خواهند آموخت که ثروت واقعی این است که دل‌های کسانی از دوستان و همسایگان را که در اطراف تو هستند، مالک شوی!

(۴) یاد خواهی گرفت که زمانی روزهایت یک ثروت واقعی است که دل‌های کسانی از دوستان و همسایگان را که در اطراف تو هستند بدست آوری!

۷- «قَدْ يَدُلُّ بَعْضُ الْحَيَوَانَاتِ الْإِنْسَانَ عَلَى الْأَعْشَابِ الطَّيِّبَةِ لِعِلَاجِ بَعْضِ الْأَمْرَاضِ الصَّعْبَةِ!»:

(۱) بعضی از حیوانات به انسان برای یافتن گیاهان پزشکی در درمان برخی از بیماری‌های صعب‌العلاج کمک می‌کنند!

(۲) گاهی برخی از حیوانات انسان را به گیاهان دارویی برای درمان برخی از بیماری‌های سخت راهنمایی می‌کنند!

(۳) شاید بعضی از حیوانات انسان را به گیاهان دارویی برای درمان برخی از بیماران صعب‌العلاج هدایت می‌کنند!

(۴) شاید بسیاری از حیوانات انسان را به گیاهان درمانی راهنمایی کرده‌اند برای اینکه برخی از بیماری‌های سخت را درمان کنند!

۸- «عِنْدَمَا كُنْتُ أَذْهَبُ إِلَى إِنْتِهَاءِ مَمَرٍ مَدْرَسَتَنَا رَأَيْتُ نَافِذَةً تَفْتَحُ عَلَى مَنَاطِرٍ جَمِيلَةٍ جَدًّا!»:

(۱) زمانی که به پایان راهروی مدرسه رسیدم، پنجره‌ای را می‌دیدم که بر منظره‌های خیلی قشنگی باز می‌شد!

(۲) وقتی به انتهای راهرو در مدرسه‌مان رفتم، پنجره‌ای را دیدم که منظره بسیار قشنگی داشت!

(۳) وقتی به انتهای راهروی مدرسه‌مان می‌رفتم، پنجره‌ای را دیدم که بر مناظر بسیار زیبایی گشوده می‌شد!

(۴) آنگاه که به انتهای راهروی‌مان در مدرسه رفته بودم، یک پنجره را دیدم که بر روی مناظر جالبی باز می‌شد!

۹- «مِنَ الْعَجِيبِ أَنَّ الْأَسْمَاقَ الَّتِي تَتَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ الْأَمْطَارِ اللَّيْلِيَّةِ تَتَعَلَّقُ بِالْمِيَاهِ الْبَعِيدَةِ!»:

(۱) عجیب است که ماهی‌هایی که بعد از بارش‌های شبانگه‌ای بر زمین افتادند، به آب‌های دوردست متعلق‌اند!

(۲) از عجایب است که ماهی‌هایی که بعد از باران‌های شبانه بر زمین می‌افتند، مربوط به دریا‌های دور هستند!

(۳) شگفت‌انگیز است که ماهیانی که پس از باران‌های شبانه روی زمین می‌افتند، به آب‌های دوردست تعلق دارند!

(۴) این که ماهیانی پس از باران‌های شبانگه‌ای روی زمین سقوط می‌کنند که به آب‌های دور تعلق دارند، واقعاً عجیب است!

۱۰- «يَجِبُ أَلَّا تَهْنُوا وَ تَضَعُ إِرَادَتَكُمْ لِأَنَّهُ لَا شَيْءَ مُمَكِّنَ بَدُونَ الْإِرَادَةِ وَ أَنْتُمْ غَافِلُونَ عَنْهَا!»:

(۱) نباید اراده شما سست و ضعیف شود، زیرا هیچ چیزی بدون اراده امکان‌پذیر نیست، در حالی که شما از آن غافل هستید!

(۲) نباید سست شوید و اراده‌تان ضعیف شود، زیرا هیچ چیزی بدون اراده ممکن نیست، در حالی که شما از آن غافلید!

(۳) لازم است سست نباشید و اراده شما ضعیف نباشد، چون بدون داشتن اراده، کاری نمی‌توان انجام داد و شما از آن بی‌خبرید!

(۴) باید آگاه باشید که تصمیم‌تان ضعیف و سست نگردد، زیرا هیچ چیز بدون اراده ممکن نیست، حال آنکه شما از آن غافلید!

۱۱- «هؤلاء رجال قد نسوا الله فلا يتبعون أوامره، لعلمهم يغيرون طريقة حياتهم و يعودون إلى الله!»:

۱) این مردان خدا را فراموش کرده‌اند پس دستوراتش را پیروی نمی‌کنند، امید است آنان شیوه زندگی خود را تغییر دهند و به سوی الله بازگردند!

۲) اینان مردانی هستند که خدا فراموششان شده و دستورات او را پیروی نمی‌کنند، امید است روش زندگیشان تغییر کند و به سوی خدا بازگردند!

۳) این مردان خداوند را از خاطر بردند پس اوامرش را پیروی نمی‌کنند، کاش آنان شیوه زندگی خود را تغییر می‌دادند و به سوی خدا باز می‌گشتند!

۴) اینان مردانی هستند که الله را فراموش کرده‌اند پس دستوراتش را پیروی نمی‌کنند، امید است روش زندگی خود را تغییر داده و به سوی خدا بازگردند!

۱۲- «كاد التلاميذ يياسون من النجاح إذ تكلم أحد المعلمين حول قيمة المحاولة و شجّع جميعهم على محاولة أكثر تشجيع الأب!»:

۱) دانش آموزان داشتند از موفقیت ناامید می‌شدند که یکی از آموزگاران در مورد تلاش ارزشمند حرف زد و همه آنان را پدران به تلاش بیشتر تشویق کرد!

۲) نزدیک بود دانش آموزان از موفقیت مأیوس شوند که یکی از معلم‌ها در مورد ارزش تلاش صحبت کرد و همه آنان را همچون پدر به تلاشی بیشتر تشویق کرد!

۳) نزدیک بود دانش آموزان از موفق شدن ناامید شوند که یکی از معلم‌ها در مورد ارزش کوشش همچون پدر صحبت کرد و همه را به تلاشی بیشتر تشویق کرد!

۴) دانش آموزان داشتند از موفقیت ناامید می‌شدند که یکی از آموزگاران در مورد تلاش ارزشمند حرف زد و قطعاً همه آنان را مانند پدر به تلاشی بیشتر تشویق کرد!

۱۳- «ما يصعب تصديقه هو أنّ الدّلافين تقدر على أن تساعد الإنسان في الحصول على مكان غرق سفينة أو ترشده إلى مكان سقوط طائرة!»:

۱) آنچه که باورش سخت می‌باشد، آن است که دلفین‌ها بتوانند به انسان کمک کنند تا محل غرق شدن کشتی را بیابد، یا او را به مکان افتادن هواپیما راهنمایی نمایند!

۲) باور کردن اینکه دلفین‌ها قادرند به انسان در پیدا کردن مکان یک کشتی یا هدایت او به مکان سقوط یک هواپیما کمک کنند، دشوار نیست!

۳) اینکه دلفین‌ها قادر بر این هستند که انسان را در پیدا کردن مکان غرق شدن کشتی کمک کنند یا او را به مکان افتادن هواپیما راهنمایی کنند، باور کردنش سخت نیست!

۴) چیزی که باور کردن آن دشوار است این است که دلفین‌ها می‌توانند به انسان در یافتن محل غرق یک کشتی کمک کنند یا او را به محل سقوط یک هواپیما راهنمایی کنند!

۱۴- «أما كُنْتَ تَعْرِفُ أَنَّ تَارِيخَ إِنْشَادِ الشَّعْرِ فِي بِلَادِنَا يَعُودُ إِلَى مَا يَقَارِبُ قَرْنَيْنِ لَكِنَّ الْآثَارَ الْآخَرَى عُمْرَهَا يَزِيدُ عَنْ ثَلَاثَةِ قُرُونٍ!»:

- (۱) آیا می‌دانی که تاریخ سرایش شعر در کشور ما، نزدیک به چند قرن پیش است، اما دیگر آثار، عمرشان بیشتر از سه قرن می‌شود!
- (۲) آیا نمی‌دانستی که تاریخ سرودن شعر در کشورمان، به نزدیک به دو قرن بر می‌گردد، اما اثرهای دیگر عمرشان بیش از سه قرن می‌باشد!
- (۳) مگر نمی‌دانی تاریخ سرودن شعر کشور ما، نزدیک به دو قرن می‌شود، اما آثار دیگر بیش از سه قرن طول می‌کشد!
- (۴) آیا نمی‌دانستی در کشور ما، تاریخ سرودن شعر تقریباً به دو قرن می‌رسد، در حالی که اثرهای دیگر از سه قرن بیشتر است!

۱۵- «لَا تَغْتَرَوْا بِصَلَاتِهِمْ وَ لَا بِصِيَامِهِمْ وَ لَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صَدَقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ!»:

- (۱) به خاطر نماز و روزه‌تان مغرور نشوید، و در زمان صداقت و ادا کردن امانت، آن‌ها امتحان شدند!
- (۲) نه با نماز و نه روزه، آن‌ها را فریب ندهید، بلکه آن‌ها را به راست گفتن و دادن امانت بیازمایید!
- (۳) با نماز و روزه ایشان فریب نخورید، اما آن‌ها را هنگام راستگویی و امانتداری آزمایش کنید!
- (۴) نه با نماز خواندنشان اغفال شوید و نه با روزه گرفتنشان و در زمان راستگویی و امانتداری بشناسید!

۱۶- «رَأَيْتُ فِي يَوْمِ السَّبْتِ مُدْرَسًا قَدْ كَتَبَ جَمْلَةً جَمِيلَةً فِي الصَّفِّ!»:

- (۱) دید در روز شنبه معلمی را که جمله‌ای زیبا در کلاس نوشته بود!
- (۲) در روز شنبه معلمی را دیدم که جمله‌ای زیبا در کلاس نوشته بود!
- (۳) مدرّس را دید که روز شنبه عبارتی زیبا را در کلاس نوشت!
- (۴) دیدم در روز شنبه معلمی را که جمله‌ای زیبا در کلاس می‌نگاشت!

۱۷- «كُنْتُ أَتَصَوَّرُ أَيَّامَ شَبَابِي وَ أَقُولُ فِي نَفْسِي يَا لَيْتَنِي كُنْتُ فِي الْمَاضِي!»:

- (۱) روزهای جوانی‌ام را تصوّر می‌کردم و با خود می‌گویم، ای کاش در گذشته بودم!
- (۲) ایام جوانی‌ام را تصوّر می‌کردم و با خود می‌گفتم، ای کاش در گذشته بودم!
- (۳) ایام جوانی‌ام را تصوّر کردم و با خود می‌گفتم، ای کاش در گذشته می‌ماندم!
- (۴) روزهای جوانی را تصوّر می‌کردم و با خود می‌گویم، ای کاش در گذشته بودم!

۱۸- «قَدْ قَامَ الْعُلَمَاءُ بِدِرَاسَاتٍ حَوْلَ تَبَادُلِ الْمَفْرَدَاتِ لَكِي يُبَيِّنُوا أَبْعَادَ تَأْثِيرِ لُغَةٍ عَلَى لُغَةٍ أُخْرَى!»:

- (۱) دانشمندان برخاستند پیرامون تبادل واژگان پژوهش‌ها انجام دهند که ابعاد تأثیرگذاری یک زبان بر زبان دیگری را آشکار می‌کنند!
- (۲) دانشمندان به پژوهش‌هایی دربارهٔ تبادل واژگان اقدام نمودند تا ابعاد تأثیرگذاری یک زبان بر زبان دیگری روشن گردد!
- (۳) دانشمندان به تحصیل دربارهٔ تبادل واژگان پرداخته‌اند تا ابعاد تأثیرپذیری یک زبان از دیگری آشکار شود!
- (۴) دانشمندان به پژوهش‌هایی دربارهٔ تبادل واژگان اقدام نموده‌اند تا ابعاد تأثیرگذاری زبانی بر زبانی دیگر را روشن کنند!

۱۹- «أَنْظُرُوا إِلَى ظَاهِرَةِ مَطَرِ السَّمَكَ الْجَمِيلَةِ فَمَنْ يُوجِدُهَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ، هَلْ فَكَّرْتُمْ فِي الْأَمْرِ؟!»:

- (۱) به ظاهر زیبای پدیدهٔ باران ماهی نگاه کنید، پس چه کسی آن را سالانه دو بار پدید آورد، آیا دربارهٔ آن فکر کردید؟!
- (۲) بنگرید به پدیدهٔ باران ماهی زیبا، پس چه کسی بارها در سال آن را ایجاد می‌کند، آیا در این باره اندیشیده‌اید؟!
- (۳) به پدیدهٔ زیبای باران ماهی نگاه کنید، پس چه کسی آن را دو بار در سال پدید می‌آورد، آیا در این باره فکر کردید؟!
- (۴) به پدیدهٔ زیبای باران ماهی نظر افکنید، پس چگونه در سال دو بار پدید می‌آید، آیا در این باره اندیشیده‌اید؟!

۲۰- «من تظاهر بمرضٍ لطلب المساعدة عن الآخرين أُصيب بمرض أسوأ منه!»:

- ۱) هر کس به بیماری‌ای تظاهر کرد برای کمک خواستن از دیگران، به بدترین بیماری از آن دچار می‌شود!
- ۲) کسی که برای طلب یاری از دیگران به بیماری تظاهر کند، قطعاً به بیماری‌ای بدتر از آن مبتلا خواهد شد!
- ۳) هر کسی که به یک بیماری وانمود کرد تا از دیگران کمک بخواهد، به بدترین آن بیماری مبتلا گشت!
- ۴) هر که برای درخواست کمک از دیگران به مریضی‌ای وانمود کند، به مریضی‌ای بدتر از آن دچار می‌شود!

۲۱- «ما من رجلٍ يغرس غرساً إلا كتبَ اللهُ له من الأجر قدرَ ما يخرج من ثمر ذلك الغرس!»:

- ۱) هیچ فردی نهالی نمی‌کارد، جز این‌که خدا به همان اندازه ثمری که از آن نهال خارج شود، اجرش را می‌نویسد!
- ۲) کسی نیست که درختی بکارد و خدا برایش پاداش بنویسد، مگر به اندازه‌ای که از میوه آن درخت بیرون می‌آید!
- ۳) هیچ کسی نیست که نهالی بکارد، جز این‌که خدا به اندازه آنچه از میوه آن نهال بیرون آید، برایش پاداش می‌نویسد!
- ۴) مردی نبوده که درخت بکارد، مگر این‌که خدا به اندازه آنچه از میوه آن درخت بیرون می‌آید، برای او پاداش می‌نویسد!

۲۲- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) بِالْإِسْتِمَاعِ إِلَى صَوْتِ وَالِدَتِي تَلْتَمِمْ جُروحَ قَلْبِي!: با گوش دادن به صدای مادرم زخم‌های دلم بهبود می‌یابد!
- ۲) لِلدَّلَافِينِ أَصْوَاتٌ مَعِينَةٌ تُسْتَعْدَمُ لِلتَّكَلُّمِ!: دلفین‌ها صدای مشخصی دارند که برای صحبت کردن به کار می‌گیرند!
- ۳) الْإِعْصَارُ الشَّدِيدُ يُسَبِّبُ إِنْسَحَابَ الْأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ!: گردباد شدید سبب کشیده شدن ماهیان به آسمان می‌شود!
- ۴) مَا أَجْمَلُ أَنْ نَنْسِيَ سَيِّئَاتِ الْآخِرِينَ فِي الْحَيَاةِ!: چه زیباست که بدی‌های دیگران را در زندگی فراموش نماییم!

۲۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) بَعْدَ تِلْكَ الْحَادِثَةِ انْقَطَعَ رَجَائِي عَنْ أَصْدِقَائِي!: پس از آن اتفاق امیدم را از دوستانم قطع کردم!
- ۲) جَلَبَ السِّيَاحُ حَقَائِبَهُمْ عِنْدَ مَوْظِفِ الْجَمَارِكِ لِلتَّقْنِيشِ!: گردشگران چمدان‌هایشان را برای بازرسی پیش پلیس گمرک بردند!
- ۳) أَخِي الْأَصْغَرُ قَدْ عَاهَدَ أَنْ يُعَوِّضَ الضَّعْفُ فِي دُرُوسِهِ!: برادر کوچکترم قول داده است که ضعف در درس‌هایش را جبران کند!
- ۴) بَعْضُ النَّاسِ كَالْجُرَبَاءِ تَتَغَيَّرُ شَخْصِيَّتُهُمْ فِي كُلِّ مَوْقِفٍ!: برخی مردم مانند آفتاب‌پرست هستند شخصیتشان در هر موقعیتی تغییر می‌کند!

۲۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) مَقْبَرَتَا حَافِظٍ وَ سَعْدِيٍّ مِنَ الْمَعَالِمِ الثَّقَافِيَّةِ فِي مَحَافِظَةِ «فَارَس»!: مقبره حافظ و سعدی از آثار فرهنگی استان فارس است!
- ۲) مَنْ يَقْدِرُ أَنْ يَحْصِيَ النِّعَمَ الَّتِي يُعْطِيهِ اللَّهُ فِي الْحَيَاةِ?: چه کسی می‌تواند نعمت‌های خداوند را که در زندگی به او عطا می‌کند، بشمارد؟!
- ۳) هَذَانِ الشَّرْطِيَّانِ وَاقِفَانِ فِي بَدَايَةِ السَّاحَةِ الْأُولَى!: این‌ها دو پلیس‌اند که در ابتدای یک میدان ایستاده‌اند!
- ۴) الْكَاذِبُ ضَعِيفٌ فَلَا يَعْتَمِدُ النَّاسُ عَلَى كَلَامِهِ أَبَدًا!: دروغگو ضعیف است و مردم هرگز به سخن او اعتماد نمی‌کنند!

- (۱) يَحِبُّ الْآبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَا أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ! پدران و مادران دوست دارند فرزندان‌شان را در بهترین حالت ببینند!
- (۲) لَا تَرْفَعُ صَوْتَكَ فَوْقَ صَوْتِ مَخَاطِبِكَ لِأَنَّهُ عَمَلُ سَيِّئٍ! صدايت را بالای صدای مخاطبت بلند مکن زیرا آن کار بدی است!
- (۳) لَا تَسْبَبْ مَنْ يَسْبَبُ تَكْتَسِبُ الْمَعَالِي! کسی را که به تو دشنام دهد، دشنام مگوی تا درجات بالا را کسب کنی!
- (۴) أَهْلَكَ النَّاسُ اثْنَانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ وَ طَلَبُ الْفَخْرِ! هَلَاكُ تَرِينِ مَرْدَمِ دُو تَا هَسْتَنْد: ترس فقر و طلب افتخار!

- (۱) أَعْجَبَنِي كَلَامُ الْعَجُوزِ فَتَعَجَّبْتُ كَثِيرًا! از سخن پیرمرد خوشم آمد پس بسیار تعجب کردم!
- (۲) خَافَتْ تِلْكَ الْبِنْتُ أَلَّا يَصْدَقَ النَّاسُ قَوْلَهَا! آن دختر فقط از این ترسید که مردم سخن او را باور نکنند!
- (۳) مَنْ يَكُنْ غَلِيظَ الْقَلْبِ، فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَجْتَمِعُونَ حَوْلَهُ! هرکس سنگدل باشد، مردم در اطرافش جمع نمی‌شوند!
- (۴) لَا يَسْتَقْبَلُ هَذَا الرَّجُلَ بِإِعْزَازٍ إِلَّا مَنْ يَعْرِفُهُ! فقط کسی از این مرد با عزت استقبال می‌کند که او را می‌شناسد!

- (۱) أَذْكُرُوا مَنْ تَعَبُوا لِتَرْبِيَتِكُمْ ذِكْرًا حَسَنًا! از کسانی که به خاطر تربیت شما زحمت کشیده‌اند، به نیکی یاد کنید!
- (۲) نَحْنُ نَصَدِّقُ الْكَلَامَ الْحَقَّ تَصَدِيقًا وَ نُؤَيِّدُهُ كَثِيرًا! ما حرف درست را واقعاً باور می‌کنیم و آن را بسیار تأیید می‌نماییم!
- (۳) قَدْ يَتَعَدَّى الْبَشَرُ عَلَى نِظَامِ الطَّبِيعَةِ تَعْدِي الظَّالِمِينَ! گاهی بشر چون ستمگران به نظام طبیعت دست‌درازی می‌کند!
- (۴) الْمُعَلِّمُونَ يَخْدُمُونَ بِلَادَهُمْ خِدْمَةً صَادِقَةً! مَعْلَمَانِ خِدْمَتِ صَادِقَانَهُای رَا در کشورشان انجام می‌دهند!

۲۸- «تلاش دانشمندان برای یافتن راز پدیده‌های طبیعی، گاهی به نتیجه نمی‌رسد»:

- (۱) قَدْ تَفْشَلُ مَحَاوِلَةُ الْعُلَمَاءِ لِكَشْفِ الْأَسْرَارِ الطَّبِيعِيَّةِ!
- (۲) إِنَّ إِجْتَهَادَ الْعُلَمَاءِ لِلتَّعَرُّفِ عَلَى سِرِّ الظَّوَاهِرِ الطَّبِيعِيَّةِ لَمْ يَصِلْ إِلَى النَّتِيجَةِ!
- (۳) قَدْ لَا تَصِلُ إِلَى النَّتِيجَةِ مَحَاوِلَةُ الْعُلَمَاءِ لِكَشْفِ سِرِّ الظَّوَاهِرِ الطَّبِيعِيَّةِ!
- (۴) حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ لِكَشْفِ سِرِّ الظَّاهِرَةِ الطَّبِيعِيَّةِ وَلَكِنْ لَا يَصِلُ إِلَى الْهَدَفِ!

۲۹- «هرگاه انسان امیدوار باشد، تا ابد تسلیم یأس نخواهد شد»:

- (۱) إِنْ كَانَ الْإِنْسَانُ رَاجِيًا فَلَنْ يَسْتَسْلِمَ لِلْيَأْسِ أَبَدًا!
- (۲) إِذَا كَانَ الْمَرْءُ رَاجِيًا فَلَنْ يَسْتَسْلِمَ لِلْيَأْسِ إِلَى الْأَبَدِ!
- (۳) إِذَا يَكُونُ الْإِنْسَانُ رَاجِيًا لَا يُسَلِّمُ نَفْسَهُ لِلْيَأْسِ إِلَى الْأَبَدِ!
- (۴) لَنْ يَسْتَسْلِمَ الْمَرْءُ الرَّاجِي لِلْيَأْسِ إِلَى الْأَبَدِ!

۳۰- «کتاب بهترین دوستی است که تو را به مکان‌های هلاکت نخواهد انداخت»:

- (۱) الْكِتَابُ خَيْرُ صَدِيقٍ لَنْ يُلْقِيَكَ إِلَى الْمَهَالِكِ!
- (۲) خَيْرُ الصَّدِيقِ كِتَابٌ لَنْ تُلْقِيَكَ إِلَى الْمَهَالِكِ!
- (۳) الْكِتَابُ خَيْرُ صَدِيقٍ لَا يُلْقِيْكَ إِلَى الْمَهْلَكَةِ إِلَّا إِيَّاكَ!
- (۴) الْكِتَابُ خَيْرُ الصَّدِيقِ الَّذِي لَنْ تُلْقِيَهُ إِلَى الْمَهَالِكِ!